



**كَانَ فَيَمَنُ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جُرْحٌ، فَجَزَعُ؛ فَأَخَذَ سِكِّينًا فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ، فَمَا رَقَا الدَّمُ حَتَّى مَاتَ. قَالَ اللَّهُ - عز وجل -: عَبْدِي بَادَرَنِي بِنَفْسِهِ، حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». «مردی از امت های پیشین زخمی شد و به خاطر آن بی تابى نمود و صبر نکرد، لذا چاقوی برداشت و دستش را قطع کرد، و به همین دلیل خونش بند نیامد تا اینکه فوت نمود. الله متعال فرمود: بنده ام بر من پیشی گرفت، پس بهشت را بر او حرام نمودم**

از حسن روایت است که گفت: جندب بن عبدالله رضی الله عنه از این مسجد برای ما خبر داد، و ما از آن زمان که به ما گفته است فراموش نکرده ایم، و از این بیم نداریم که جندب به رسول الله صلی الله علیه وسلم دروغ گفته باشد، گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كَانَ فَيَمَنُ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جُرْحٌ، فَجَزَعُ؛ فَأَخَذَ سِكِّينًا فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ، فَمَا رَقَا الدَّمُ حَتَّى مَاتَ. قَالَ اللَّهُ - عز وجل -: عَبْدِي بَادَرَنِي بِنَفْسِهِ، حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». «مردی از امت های پیشین زخمی شد و به خاطر آن بی تابى نمود و صبر نکرد، لذا چاقوی برداشت و دستش را قطع کرد، و به همین دلیل خونش بند نیامد تا اینکه فوت نمود. الله متعال فرمود: بنده ام بر من پیشی گرفت، پس بهشت را بر او حرام نمودم

[صحيح] [متفق عليه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اصحابش داستان مردی از امت های پیشین را بازگو می کند که دچار زخمی دردناک شد و بی تابى کرد و بر درد و رنج ناشی از آن صبر و شکیبایی نکرد و چاقو را برداشت و دستش را قطع کرد؛ و خونریزی وی ادامه پیدا کرد تا اینکه بمیرد. لذا الله متعال فرمود: بنده ام در مورد جان خود عجله نمود، به همین دلیل بهشت را بر او حرام نمودم.

<https://sunnah.global/hadeeth/prs/show/2981>

